

دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذر یزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه	سعدت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور	دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعدت.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	ج: ۲۸×۲۲ س م.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.
شابک	دوره: 964-7531-26-5؛ ج: 964-7531-40-0؛ ۱. ج: 964-7531-62-1؛ ۲. ج: 978-964-7531-90-0؛ ۳. ج: 978-964-7531-90-0؛ ۴. ج: 978-600-6143-21-7؛ ۵. ج: 978-964-7531-90-0؛ ۶. ج: 978-600-6143-83-5؛ ۷. ج: 978-600-8735-23-6؛ ۸. ج: 978-622-5305-72-4.
وضعیت فهرست‌نویسی	فایا
یادداشت	جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزئی.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Esmā'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature
یادداشت	ج: ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).
یادداشت	ج: ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۸).
یادداشت	ج: ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱).
یادداشت	ج: ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیفا).
یادداشت	ج: ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیفا).
یادداشت	ج: ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیفا).
یادداشت	ج: ۸ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فیفا).
مندرجات	ج: ۱. آب - برزویه - ج: ۲. برندق خجندی - حیرتی تونی - ج: ۳. خارزنجی - سنایی غزنوی - ج: ۴. سندیادنامه - فردوسی - ج: ۵. فردوسی ثانی - مسرور طالقانی - ج: ۶. مسعود، محمد - یونس - ج: ۷. ذیل: آتشی، منوچهر - یونکر، هاینریش - ج: ۸. ذیل ۲: آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم.
موضوع	ادبیات فارسی - دایرةالمعارفها.
موضوع	دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۴ د ۷ س / PIR ۳۳۲۱
رده‌بندی دیویی	۰۳ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۱۶۶۸۱ م

شابک ۴-۷۲-۵۳۰۵-۶۲۲-۹۷۸ (ج ۸. ذیل ۲) (vol.8 Supplement II) ISBN 978-622-5305-72-4

ISBN 964-7531-26-5 (set)

شابک ۵-۲۶-۷۵۳۱-۹۶۴ (دوره)

۱۳۶۲ش؛ هدایت، رضاقلیخان، مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، ۱۳۳۶ش؛

Deblois, Francois, «Faralavi», *Encyclopaedia Iranica* IX, New York, 1999; Storey, C.A. and François de Blois, *Persian Literature: A Bio-bibliographical Survey*, London, 1992.

فرزانه رشیدی

قرّخ، محمود. سید محمود قرّخ خراسانی، ادیب و شاعر معاصر. در ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ق / نهم آذر ۱۲۷۵ش، در مشهد به دنیا آمد (خلخال، ص ۳۰۸؛ برقی، ج ۴، ص ۲۶۱۸؛ قس: یوسفی، «سرگذشت قرّخ»، ص ۱، که تاریخ شمسی را به اشتباه ۱۲۷۶ش نوشته است). پدرش، سید احمد جواهری، مشهور به «میرزا آقا» و متخلص به «دانا»، از رجال نامدار مشهد و ادیب و خوشنویس بود که از رهگذر تحصیل حکمت و مطالعه کتب ادب فارسی و عربی، در شعرشناسی و نقد سخن، شهرتی بسزا و مهارتی به کمال به دست آورده بود، تا آنجا که خانه‌اش «محلّ بزرگان ادب خراسان» بود و شاعران آن روزگار، اشعار خود را برای تصحیح و اظهارنظر، نزد او می‌خواندند (یوسفی، همان، ص ۲، ۱۱؛ شفیع کدکنی، ص ۱۴؛ حبیب‌اللهی (نوید)، ص ۴؛ مطلبی کاشانی، ص ۳۱۰).

محمود، که بعدها تخلص شعری «قرّخ» نام خانوادگی او شد، علوم مقدماتی را در مکتب‌خانه، زیر نظر معلّمی به نام «ادیب‌التّولیه»، فراگرفت. بعد از آموختن القبا و قرآن کریم*، به خواندن کتابهایی همچون موش و گربه*، حسنین، عاق والدین، حسین‌کرد، نصاب الصّبیان* و گلستان* سعدی پرداخت. سپس، امثله و صرف میر را فراگرفت. بعد از آن، پدرش او را به شیخ محمّدحسین شیرازی (متوفی ۱۳۰۶ش) سپرد که ادیبی خوشنویس و از دانشوران فاضل و مشهور بود. محمود در خدمت او انموذج* و الهدایة فی النّحو، و مغنی‌الکلب* و مطول* را آموخت. سپس، این دروس را نزد پدر تکرار کرد. او کتاب کلامی گوهر مراد* را نیز نزد پدر خواند (یوسفی، همان، ص ۲-۳، ۱۲؛ حبیب‌اللهی (نوید)، ص ۶؛ نیز نک: مطلبی کاشانی، ص ۳۱۱).

محمود از کودکی و نوجوانی، با شاهنامه* فردوسی نیز آشنا شد و در مناسبت‌های اشعاری بر وزن آن سرود که اعجاب و تحسین پدر و دیگران را در پی داشت (یوسفی، همان، ص ۱۶؛ حبیب‌اللهی (نوید)، ص ۷-۶). با تشکیل انجمن ادبی مشهد به اهتمام محمّد ملک‌زاده، برادر ملک‌الشعراء بهار*، که آن روزها رئیس اداره معارف خراسان بود، به این انجمن و به جمع ادیبان و شاعران نامبردار آن روز خراسان پیوست (حبیب‌اللهی

همان‌جا). دهخدا، براساس اطلاعات به دست آمده از اشعار او، بر آن است که فرالای «عمری طویل یافته و او را جز دیوان غزل و قصیده، مثنوی بحر خفیف بوده و با علوّ مقام ادبی ثروت و بضاعتی چندان که باید نداشته است» (دهخدا، ذیل «فرالای»؛ نیز نک: دوبلوا، همان‌جا). برخی از ابیات او به شاعران دیگر، خاصّه قرّخی سیستانی*، نیز نسبت داده شده است (نک: اسدی طوسی، ص ۱۲۵؛ نخجوانی، ص ۴۵، ۸۱، ۸۷، ۱۱۱، ۱۱۶، ۱۵۲، ۲۰۰، ۲۱۷، ۲۲۲).

جنیدی، با بررسی ابیات برجای مانده از فرالای، اشعار عاشقانه او را ستوده و بر آن است که فرالای مدح نیز می‌گفته است، ولی ممدوح او مشخص نیست. در شعر او، افزون بر مدح*، هجو، وصف طبیعت و شکوه از فقر و پیری نیز دیده می‌شود (نک: دوبلوا، همان‌جا). در شعر او برخی کهنگیهای زبانی، همانند صرف فعلهای ساده کهن، مشاهده می‌شود (محبوب، ص ۵۰). در تشبیهات او نیز تأثیر محیط مشهود است (شفیعی کدکنی، ص ۳۱۴-۳۱۵). همچنین، با توجه به ابیاتی که نامهای اساطیری و حماسی در آنها به کار رفته است، اشعار او را متأثر از داستانهای شاهان ایران و حماسه‌های کهن نیز دانسته‌اند (نک: جنیدی، ص ۲-۵). در مجموع، شعر فرالای همچون اشعار دیگر پیشگامان شعر فارسی است.

منابع: اسدی طوسی، علی‌بن احمد، لغت فارس، به کوشش عباس اقبال، تهران، ۱۳۱۹ش؛ همو، همان، به کوشش فتح‌الله مجتبیایی و علی‌اشرف صادقی، تهران، ۱۳۶۵ش؛ اشعار پراکنده قدیم‌ترین شعرای فارسی زبان، به کوشش ذیلر لازار، تهران، ۱۳۶۲ش؛ اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمّد، عرفات‌العاشقین، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، ۱۳۸۸ش؛ براون، ادوارد، تاریخ ادبی ایران، ترجمه علی پاشا صالح، تهران، ۱۳۳۳ش؛ جنیدی، فریدون، «فرالای»، نشریه جام، ش ۳، تهران، ۱۳۵۷ش؛ خواجه نصیرالدین طوسی، معیارالاشعار، به کوشش محمّد فشارکی، تهران، ۱۳۸۹ش؛ دبیرسیاقی، محمّد، پیشاهنگان شعر پارسی، تهران، ۱۳۵۱ش؛ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، به کوشش محمّد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، ۱۳۷۳ش؛ رادفر، ابوالقاسم، «شاعران عصر سامانی و گزیده کتابشناسی آنان»، نامه پارسی، ش ۱۹، تهران، ۱۳۷۹ش؛ رودکی سمرقندی، ابوعبدالله جعفر بن محمّد، دیوان، به کوشش جعفر شعار، تهران، ۱۳۸۲ش؛ شفیع کدکنی، محمّدرضا، صورخیال در شعر فارسی، تهران، ۱۳۵۸ش؛ عوفی، سدیدالدین محمّد، لباب‌الآبَاب، به کوشش ادوارد براون، لیدن، ۱۳۲۱ش؛ فلسفی، نصرالله، «احوال شاعران ایران»، مهر، س ۲، ش ۳، تهران، مرداد ۱۳۱۳ش؛ محبوب، محمّدجعفر، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ مدبری، محمود، شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان، تهران، ۱۳۷۰ش؛ نخجوانی، محمّد، صحاح‌الفرس، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران، ۱۳۵۵ش؛ نفیسی، سعید، محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، تهران، ۱۳۴۱ش؛ همو، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران،

بوده است (همان، ص ۱۶۳؛ یوسفی، چشمه روشن، ص ۵۷۰-۵۷۱)؛ از همین رو، هنر بزرگ فرّخ را در شاعری، «ریختن اندیشه‌های نو در قالب کهن» دانسته‌اند (پروین گنابادی، ص ۷۸).

فرّخ با شعر نو میانه‌ای نداشت و آن را «تَرّهات» کسانی می‌دانست که از «قریحه و موهبت طبیعی و معلومات و محفوظات» لازم برای شاعری بی‌بهره‌اند (فرّخ، «در پیرامون شعر نو»، ص ۲۳۲)؛ با این همه، او در مقاله «مسیر شعر فارسی»، که در سال ۱۳۴۳ش تألیف کرد، بر این باور بود که به برکت مشروطیت، که «آزادی قلم و بیان»، «افزایش عدهٔ باسواد»، «مراوده با سایر ملل» و انتشار جراید و مجلات رهاورد آن بوده، شعر فارسی ترقّی کرده است و در پنجاه سال اخیر «تعداد شعرای خوب» بیش از هر زمان دیگری بوده است (همو، «مسیر شعر فارسی»، ص ۲۷۸).

فرّخ به مفاوضات ادبی و اخوانیه‌سرایي علاقهٔ بسیار داشت، تا آنجا که بخش عمده‌ای از دیوانش به مشاعرات و اخوانیات* او با دیگر شاعران اختصاص یافته است (یوسفی، «سرگذشت فرّخ»، ص ۱۹؛ مؤید ثابتي، همان‌جا). این اخوانیات، از سویی، چگونگی ارتباط فرّخ را با شاعران هم‌روزگار او نشان می‌دهد و از سوی دیگر، نمودار شهرت سخنوری و شاعری اوست؛ چنان‌که بزرگان و دانشمندانی چون محمد قزوینی*، ملک‌الشعراء بهار و عباس اقبال آشتیانی* شعر او را ستوده و گاه آن را با شعر بزرگ‌ترین شاعران ایران‌زمین مقایسه کرده‌اند (نک: یوسفی، همان، ص ۱۹-۲۰؛ قزوینی، ص ۴۴۹؛ اخوان ثالث، ص ۳۷؛ برای تحلیل اخوانیات فرّخ، نک: خاتمی‌پور، ۱۳۹۵-۴۵۶). این دسته از شعرهای فرّخ آکنده از اشارات سیاسی، اجتماعی و تاریخی است و از جهات گوناگون اهمیت دارد.

فرّخ، با اتکا به تجربه‌ای که از حضور در انجمنهای ادبی مشهد داشت، بر این باور بود که انجمنهای رسمی اغلب تداوم نمی‌یابند. او از ۱۳۲۴ش محفلی ادبی در کتابخانهٔ خود برپا می‌کرد که هر صبح جمعه دوستان اهل ذوق و ادب او، حتی شاعران و فرهیختگانی که از دیگر شهرها و کشورها به مشهد سفر می‌کردند، در این محفل حاضر می‌شدند (نک: «مصاحبه اختصاصی»، ص ۲۶؛ بینش، ج ۵، ص ۲۶۸۳؛ باقرزاده، ص ۴۳؛ ساکت، ص ۴۱۹-۴۲۰). در این محفل، که بعدها به «انجمن ادبی فرّخ» شهرت یافت، علاوه بر اعضای ثابت، مانند ابوالقاسم حبیب‌اللهی (نوید)، علی‌اکبر گلشن‌آزادی، علی‌اکبر فیاض*، غلامحسین یوسفی*، قاسم رسا، احمد کمال‌پور، غلامرضا قدسی، ذبیح‌الله صاحبکار، محمد قهرمان*، علی باقرزاده، تقی بینش، حبیب‌الله بیگناه و دیگران، گاه جوانان ادب‌دوست و خوش‌ذوقی چون مهدی اخوان ثالث*، محمدرضا شفیعی

(نوید)، ص ۷؛ باقرزاده، ص ۴۲). دوران نوجوانی و جوانی فرّخ بیشتر به مطالعه و تتبع آثار ادبی و مصاحبت با دوستان شاعر و ادیبش می‌گذشت، تا اینکه در ۱۳۰۶ش، محمد ولی‌خان اسدی، نایب‌التولیهٔ آستان قدس، به اشارهٔ تیمورتاش، وزیر وقت دربار، محمود فرّخ را به کار دعوت کرد. او بسیار زود کاردانی خود را نشان داد و تا ۱۳۱۸ش سمتهایی چون ریاست «کابینه و پرسنل» آستان قدس و ریاست دفتر آستان در اراک را به عهده داشت. فرّخ، در دوره‌های دوازدهم و سیزدهم (۱۳۱۸-۱۳۲۲ش)، به نمایندگی از مردم قوچان، به مجلس شورای ملی راه یافت. در ۱۳۲۲ش به معاونت آستان قدس برگزیده شد و هم‌زمان به عضویت هیئت مدیرهٔ «کارخانهٔ نخ‌ریسی و نساجی و برق خسروی خراسان» درآمد. پس از چندی، ریاست هیئت مدیره و مدیرعاملی این کارخانه را عهده‌دار شد. در سالهای بعد، مدّتی کفالت استانداری خراسان و چندی سرپرستی آستان قدس را نیز بر عهده گرفت (یوسفی، همان، ص ۴-۷؛ «مصاحبه اختصاصی»، ص ۲۴؛ افشار، ص ۲۴۲).

سید محمود فرّخ خراسانی در غروب ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ش درگذشت و در دوم اردیبهشت، در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد (نک: صهبا، ص ۸؛ مجرّد، ص ۲۱).

فرّخ دلبستهٔ ایران و فرهنگ ایران بود و به خراسان عشق می‌ورزید (یوسفی، چشمه روشن، ص ۵۷۱) و به هنردوستی، ادب‌پروری، مهمان‌نوازی، مناعت طبع، آزادگی و بلندهمت‌ی شهرت داشت. او از ابراز عقیدهٔ خود، هرچند خلاف نظر دیگران، و نیز از «خرده‌گرفتن بر عیوب مشاهیر» نمی‌هراسید. نه بیهوده کسی را می‌ستود و نه از تملّق چاپلوسان خشنود می‌شد (همو، «سرگذشت فرّخ»، ص ۲۲-۲۳؛ پروین گنابادی، ص ۷۸؛ خدیوجم، ص ۹۱؛ دشتی، ص ۱۰۴).

فرّخ در انواع قالبهای شعری، از جمله قصیده*، غزل*، قطعه*، رباعی* و مثنوی*، شعر سروده است، اما به سرودن قصیده و غزل، بیش از دیگر قالب، تمایل داشته و اغلب اشعار مشهور او در این دو قالب سروده شده است. در بیشتر شعرهای او فخامت و صلابت سبک خراسانی*، آشکارا، دیده می‌شود (یوسفی، همان، ص ۲۰؛ حبیب‌اللهی (نوید)، ص ۱۲؛ پروین گنابادی، ص ۷۷)، تا آنجا که او را «جانشین و قائم‌مقام اساتید مستقّم خراسان» دانسته‌اند (مؤید ثابتي، «دو دوست قدرشناسند»، ص ۱۶۲). او اشعار فراوانی دربارهٔ موضوعهای روز و انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی دارد که علاوه بر نشان دادن روحیهٔ انتقادی و احساسات پرشور و آزادخواهانهٔ او، نمودار چگونگی اوضاع و احوال روزگار و محیط او و نیز نشان‌دهندهٔ وقایع و اتفاقاتی است که در طول عمر شاهد آن

کدکنی، محمد مختاری، حسین خدیوجم*، اسماعیل خویی، علی شریعتی و علی خامنه‌ای (بعدها آیت‌الله سید علی خامنه‌ای) شرکت می‌کردند. سرشناسان و نامدارانی چون آقابزرگ تهرانی*، ملک‌الشعراء بهار، سعید نفیسی*، بدیع‌الزمان فروزانفر*، محمدتقی مدرّس رضوی*، پرویز ناتل خانلری*، مجتبی مینوی*، عبدالحسین زرّین‌کوب*، ضیاءالدّین سجّادی*، امیری فیروزکوهی*، محمدحسین شهریار*، کمال‌الدّین عینی (فرزند صدرالدّین عینی*) نیز در انجمن ادبی فرّخ حضور یافته‌اند (افضلی، ص ۲۲-۲۳؛ باقرزاده، ص ۴۳-۴۴). انجمن فرّخ مهم‌ترین و تأثیرگذارترین انجمن ادبی خراسان بود. فرّخ «به واسطه عمر طولانی و معاشرت فراوان با اهل ذوق و ادب» توانست بسیاری از نکات ادبی و ذوقی را که از پیشینیان فراگرفته بود، به جوانان خوش‌ذوق و خوش‌قریحه منتقل کند (مؤید ثابتی، «پنج‌ه‌ویست سال با محمود فرّخ»، ص ۳۲۱). مهدی اخوان ثالث (ص ۳۸)، انجمن ادبی فرّخ را «حریم شعر قدیم در خراسان» آن روز خوانده و مؤید ثابتی (همان‌جا) آن را «مکتبی آموزنده» برای شاعران جوان دانسته است که می‌توانند «فنون عالیّه ادبیّات» را در آن فراگیرند (همو، «دو دوست قدرشناسند»، ص ۱۶۲). این انجمن تا سالها پس از مرگ فرّخ به همت فرزندش، فروزان فرّخ، و به میانداری احمد کمال‌پور، ادامه یافت تا اینکه در ۱۳۷۸ ش تعطیل شد (مجرّد، ص ۲۶؛ باقرزاده، ص ۴۴؛ افضلی، ص ۲۸-۲۹).

آثار فرّخ شامل تصحیح، گردآوری و تألیف است. چند مقاله تحقیقی و ادبی فرّخ در مجله‌های آینده، یغما، یادگار و نشریه فرهنگ خراسان (افشار، ص ۲۴۳) منتشر و آثاری نیز به صورت مستقل چاپ شده است که عبارت‌اند از: مثنوی موسوم به فروزنده با منتخبی از آثار و احوال استاد دانشمند معاصر آقای میرزا عبدالحسین خان منشی‌باشی (نصرت)، (مشهد، ۱۳۳۱ ش)؛ سفینه فرّخ که چاپ نخست آن در یک مجلد در ۱۳۳۲ ش و چاپ دوم آن با افزوده‌هایی قابل توجه در دو مجلد در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۶ ش منتشر شد. جلد نخست سفینه فرّخ که مشهورترین اثر اوست، شامل قصاید و قطعات و جلد دوم دربرگیرنده غزل، مثنوی، مسمط*، رباعی، قطعه، مفردات و غیره است که حدود دوازده هزار بیت از حدود هشتصد شاعر، اعم از شاعران قدیم و معاصر، را در خود جای داده است. این اثر، از نظر اشتغال بر نمونه‌های شعری بسیاری از شاعران کمتر شناخته‌شده و نیز در برداشتن بسیاری از نکات و دقایق تاریخ معاصر، مهم و در نوع خود کم‌نظیر است (سجّادی، ص ۱۱۹-۱۲۰)؛ از این رو، آن را «آیینۀ تاریخ و ذوق ادبیّات معاصر» دانسته‌اند (مدّرّسی چهاردهی، ص ۴۱۴). از مهم‌ترین

فواید این کتاب، اطلاعاتی است که فرّخ، به مناسبت، درباره شرح حال افراد یا وقایع و حوادثی که در خلال اشعار به آنها اشاره شده، به قلم آورده است. این اطلاعات گاه در منابع دیگر، به این تفصیل و با این جزئیّات، دیده نمی‌شود (سجّادی، ص ۱۲۰). همچنین بیش از سه هزار بیت از اشعار خود او نیز در این سفینه آمده است (مثنوی، ج ۹، ص ۳۲۰). مناظرات و اخوانیّات فرّخ با شاعران هم‌روزگارش، که یکی از مهم‌ترین بخشهای این کتاب است، به صورت مستقل، و البته محدود، در اسفند ۱۳۴۴ ش، منتشر شده است. از دیگر آثار فرّخ می‌توان از این کتابها نام برد: خلاصه احوال و منتخب آثار اوحدی اصفهانی معروف به مراغه‌ای (متوفی ۷۳۸ ق) و مثنوی منطق‌العشاق یا ده‌نامه اوحدی (مشهد، ۱۳۳۵ ش)؛ نمونه شعر فارسی (تهران، بی‌تا)؛ تصحیح مجمل فصیحی در سه مجلد (مشهد، ۱۳۳۹-۱۳۴۱ ش)؛ تصحیح روضه خلد (تهران، ۱۳۴۵ ش)؛ به یاد گلشن آزادی (مشهد، ۱۳۵۳ ش) و دیوان محمود فرّخ که در ۱۳۹۱ ش به کوشش جلال قیامی میرحسینی در مشهد به چاپ رسیده است. سه جلد «سفرنامه» و مجموعه‌ای از یادداشتهای شخصی به نام «گزارش عمر» نیز از او باقی مانده که هنوز به طبع نرسیده است (یوسفی، «سرگذشت فرّخ»، ص ۲۲؛ مثنوی، همان‌جا). او همچنین مجموعه اشعار پراکنده ملک‌الشعراء بهار را، در طول سالیان متمادی، گرد آورده بود (حبیب‌اللهی (نوید)، ص ۹) که تا مدتها کسی از سرنوشت آن اطلاعی نداشت، اما در سالهای اخیر در کتابخانه دانشکده ادبیّات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد پیدا شد و به کوشش مجتبی مجرّد و سیدامیر منصوری (تهران، ۱۳۹۷ ش) به چاپ رسید.

محمود فرّخ کتابخانه‌ای نفیس و کم‌نظیر داشت که مشتمل بر پنج هزار جلد کتاب، عمدتاً در زمینه‌های ادبی و تاریخی، بود؛ بسیاری از آن کتابها در هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه و کشورهای اروپایی به چاپ رسیده بود. علاوه بر این، او سیصد (یوسفی، همان، ص ۲۲؛ مجرّد، ص ۲۸) و به روایتی هفتصد نسخه خطی (بینش، ج ۵، ص ۲۶۸۵) در کتابخانه خود گرد آورده بود. بخشی از کتابها و نسخ خطی این کتابخانه در ۱۳۴۹ ش، به همت و پیگیری جلال مثنوی، برای دانشگاه مشهد خریداری و به کتابخانه دانشکده ادبیّات منتقل شد (مثنوی، ص ۱۷۶؛ نیک‌پرور، ص ۱۵۱). در ۱۳۸۱ ش، خانواده فرّخ بقیه کتابهای او را نیز به این کتابخانه اهدا کردند (یاحقی، ص ۳۷۶-۳۷۷؛ ساکت، ص ۴۲۵).

به دلیل نقش سترگ و ماندگار محمود فرّخ در پاسداشت زبان و ادبیّات فارسی و حمایت از شاعران جوان، به مناسبتهای مختلف، در چند نوبت، از او تجلیل شد؛ مهم‌ترین آنها انتشار

کدکنی، محمد مختاری، حسین خدیوجم*، اسماعیل خویی، علی شریعتی و علی خامنه‌ای (بعدها آیت‌الله سید علی خامنه‌ای) شرکت می‌کردند. سرشناسان و نامدارانی چون آقابزرگ تهرانی*، ملک‌الشعراء بهار، سعید نفیسی*، بدیع‌الزمان فروزانفر*، محمدتقی مدرّس رضوی*، پرویز ناتل خانلری*، مجتبی مینوی*، عبدالحسین زرّین‌کوب*، ضیاءالدّین سجّادی*، امیری فیروزکوهی*، محمدحسین شهریار*، کمال‌الدّین عینی (فرزند صدرالدّین عینی*) نیز در انجمن ادبی فرّخ حضور یافته‌اند (افضلی، ص ۲۲-۲۳؛ باقرزاده، ص ۴۳-۴۴). انجمن فرّخ مهم‌ترین و تأثیرگذارترین انجمن ادبی خراسان بود. فرّخ «به واسطه عمر طولانی و معاشرت فراوان با اهل ذوق و ادب» توانست بسیاری از نکات ادبی و ذوقی را که از پیشینیان فراگرفته بود، به جوانان خوش‌ذوق و خوش‌قریحه منتقل کند (مؤید ثابتی، «پنج‌ه‌ویست سال با محمود فرّخ»، ص ۳۲۱). مهدی اخوان ثالث (ص ۳۸)، انجمن ادبی فرّخ را «حریم شعر قدیم در خراسان» آن روز خوانده و مؤید ثابتی (همان‌جا) آن را «مکتبی آموزنده» برای شاعران جوان دانسته است که می‌توانند «فنون عالیّه ادبیّات» را در آن فراگیرند (همو، «دو دوست قدرشناسند»، ص ۱۶۲). این انجمن تا سالها پس از مرگ فرّخ به همت فرزندش، فروزان فرّخ، و به میانداری احمد کمال‌پور، ادامه یافت تا اینکه در ۱۳۷۸ ش تعطیل شد (مجرّد، ص ۲۶؛ باقرزاده، ص ۴۴؛ افضلی، ص ۲۸-۲۹).

آثار فرّخ شامل تصحیح، گردآوری و تألیف است. چند مقاله تحقیقی و ادبی فرّخ در مجله‌های آینده، یغما، یادگار و نشریه فرهنگ خراسان (افشار، ص ۲۴۳) منتشر و آثاری نیز به صورت مستقل چاپ شده است که عبارت‌اند از: مثنوی موسوم به فروزنده با منتخبی از آثار و احوال استاد دانشمند معاصر آقای میرزا عبدالحسین خان منشی‌باشی (نصرت)، (مشهد، ۱۳۳۱ ش)؛ سفینه فرّخ که چاپ نخست آن در یک مجلد در ۱۳۳۲ ش و چاپ دوم آن با افزوده‌هایی قابل توجه در دو مجلد در سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۶ ش منتشر شد. جلد نخست سفینه فرّخ که مشهورترین اثر اوست، شامل قصاید و قطعات و جلد دوم دربرگیرنده غزل، مثنوی، مسمط*، رباعی، قطعه، مفردات و غیره است که حدود دوازده هزار بیت از حدود هشتصد شاعر، اعم از شاعران قدیم و معاصر، را در خود جای داده است. این اثر، از نظر اشتغال بر نمونه‌های شعری بسیاری از شاعران کمتر شناخته‌شده و نیز در برداشتن بسیاری از نکات و دقایق تاریخ معاصر، مهم و در نوع خود کم‌نظیر است (سجّادی، ص ۱۱۹-۱۲۰)؛ از این رو، آن را «آیینۀ تاریخ و ذوق ادبیّات معاصر» دانسته‌اند (مدّرّسی چهاردهی، ص ۴۱۴). از مهم‌ترین

افشار، تهران، ۱۳۴۸ش؛ نیک‌پرو، محمد، کتابخانه‌های استان خراسان از آغاز اسلام تا عصر حاضر، مشهد، ۱۳۵۱ش؛ هفتادسالگی فرخ، به‌کوشش مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۴۴ش؛ یاحقی، محمدجعفر، «کتابخانه استاد محمود فرخ»، بخارا، ۱۳۱ش، تهران، خرداد- تیر ۱۳۹۸ش؛ یادداشت‌های سید محمود فرخ خراسانی، به‌کوشش مجتبی مجرد، تهران، ۱۳۹۵ش؛ یوسفی، غلامحسین، «سرگذشت فرخ»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ هوم، چشمه روشن، تهران، ۱۳۶۹ش؛

Matini, Jalal, «Farrok, Sayyed Mahmūd», *Iranica IX*, NewYork, 1999.

سلیمان ساکت

فرهاد. در ادبیات کهن ایران، نام رقیب خسرو ویز* در عشق شیرین*، دختر شاه ارمنستان، که به کوه کنی شهره بود. نخستین شواهد ادبی درباره شخصیت فرهاد در ادبیات عاشقانه فارسی قرن چهارم ق آمده است. غضنفر علی‌یف، که جامع‌ترین اثر را درباره منابع عربی و فارسی مرتبط با شخصیت فرهاد به رشته تحریر درآورده، بر آن است که ذکری از فرهاد در منابع ساسانی نیامده و این داستان خاستگاهی کاملاً نو دارد (علی‌یف، ص 73-81؛ نیز نک: اورساتی، ص 19-40). او، با تکیه بر منشأ روایات عامیانه و شفاهی داستان فرهاد، بر این باور است که افسانه فرهاد و کندن کوه بیستون، به مرور زمان، از درون ماجراهای عاشقانه خسرو و شیرین پدید آمده است. در واقع، فرهاد، برخلاف شخصیت‌های کمابیش تاریخی ادبیات داستانی فارسی، هیچ پیشینه‌ای در منابع بیزانسی، ارمنی و سریانی ندارد؛ همچنان که نامی از او در شاهنامه فردوسی* و متون کهن عربی، همچون آثار طبری* و جاحظ نیز نیامده است. ابودلف، جهانگرد عرب، که در سالهای ۳۳۱-۳۳۴ق در ایران بوده، نخستین کسی است که در سفرنامه خود از فرهاد یاد کرده است (نک: مینورسکی، ج 1، ص 5-4). اثر دیگری که در آن ذکر فرهاد به میان آمده تاریخ بلعمی* است، که نگارش آن در سال ۳۵۲ق آغاز شده و اقتباس و تحریری از تاریخ طبری* است. با این همه، فرهاد نخستین بار در منظومه خسرو و شیرین* نظامی*، که بین سالهای ۵۷۱ تا ۵۷۶ق سروده و بعدها بیت‌هایی به آن افزوده شد، به شخصیتی ادبی و نقش‌آفرین تبدیل شد و از همین طریق به سنت داستان‌سرایی فارسی، ترکی و برخی دیگر از زبانهای جهان اسلام راه یافت و در مناطق مختلف گسترش پیدا کرد. علی‌یف در کتاب خود، با عنوان افسانه خسرو و شیرین در ادبیات ملل مشرق زمین^۱، برخی از این نمونه‌ها را آورده است. البته این احتمال را نمی‌توان نفی کرد که از زمانهایی

ارجنامه‌ای بود که در ۱۳۴۴ش، به مناسبت هفتادمین سال تولد او زیر نظر مجتبی مینوی تدوین، و با نام هفتادسالگی فرخ منتشر شد. همچنین پنجمین جشن فرهنگ و هنر در مشهد، در ۱۳۵۱ش، به تکریم و گرامیداشت او اختصاص یافت. علاوه بر اینها، در اردیبهشت ۱۳۵۳، دانشگاه مشهد به محمود فرخ، که در تأسیس دانشکده ادبیات این دانشگاه نقشی بسزا ایفا کرده بود، دکترای افتخاری اعطا کرد (ساکت، ص ۴۲۱-۴۲۲؛ متینی، همان‌جا).

منابع: اخوان ثالث، مهدی، «ارمغانی برای فرخ»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ افشار، ایرج، «محمود فرخ»، آینده، س ۷، ش ۳، تهران، خرداد ۱۳۶۰ش؛ افضل، رضا، «انجمن فرخ خاستگاه بزرگان ادب خراسان با نگاهی به پیشینه انجمنهای ادبی خراسان»، مجله شعر، ش ۶۷، تهران، پاییز ۱۳۸۸ش؛ باقرزاده، علی، ۲۱ مقاله، مشهد، ۱۳۸۷ش؛ برقی، محمداقبر، سخنوران نامی معاصر، قم، ۱۳۷۳ش؛ ینش، تقی، «محل فرخ»، نک: نامواره دکتر محمود افشار؛ پروین گنابادی، محمد، «درد به خراسان»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ تجلیل از محمود فرخ، شاعر خراسانی (به مناسبت پنجمین جشن فرهنگ و هنر)، ویژه‌نامه جشن فرهنگ و هنر، ش ۶، مشهد، ۱۳۵۱ش؛ حبیب‌اللهی (نویس)، ابوالقاسم، نک: تجلیل از محمود فرخ، شاعر خراسانی؛ خاتمی‌پور، حامد، «سیری در اخوانیات محمود فرخ»، بخارا، ۱۳۱ش، تهران، خرداد- تیر ۱۳۹۸ش؛ خدیوچم، حسین، «استیلای زنان»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ خلخال، عبدالحمید، تذکره شعرای معاصر ایران، تهران، ۱۳۳۳ش؛ دشتی، علی، «فرخ و باباشمل»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ ساکت، سلیمان، «محمود فرخ و دانشگاه فردوسی مشهد»، بخارا، ۱۳۱ش، تهران، خرداد- تیر ۱۳۹۸ش؛ سجادی، ضیاءالدین، «سفینه فرخ»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ شفیع کدکنی، محمدرضا، «مقدمه»، نک: فروزانفر؛ صهبا، ابراهیم، یادای از شاعر عالی‌قدر و محقق دانشمند شادروان استاد محمود فرخ خراسانی، بی‌جا، ۱۳۶۳ش؛ فرخ، محمود، «در پیرامون شعر نو»، یغما، س ۸، ش ۸۵، تهران، مرداد ۱۳۳۴ش؛ هوم، «مسیر شعر فارسی»، هیرمند، س ۱، ش ۱، مشهد، تابستان ۱۳۴۳ش؛ فروزانفر، بدیع‌الزمان، دیوان، با مقدمه محمدرضا شفیع کدکنی، به‌کوشش عنایت‌الله مجیدی، تهران، ۱۳۸۲ش؛ قزوینی، محمد، «نامه»، یغما، س ۱، تهران، دی ۱۳۲۷ش؛ متینی، جلال، خاطرات سالهای خدمت، لس‌آنجلس، ۲۰۱۶م/۱۳۹۵ش؛ مجرد، مجتبی، «مقدمه»، نک: یادداشت‌های سید محمود فرخ خراسانی؛ مدرسی چهاردهی، مرتضی، «فرخ خراسانی و سفینه او»، ارمغان، دوره ۳۷، ش ۸، تهران، آبان ۱۳۴۷ش؛ «مصاحبه اختصاصی خبرنگار خبرگزاری پارس با آقای محمود فرخ شاعر خراسانی»، نک: تجلیل از محمود فرخ، شاعر خراسانی؛ مطلبی کاشانی، نادر، «نامه محمود فرخ به دکتر مهدی بیانی»، نامه بهارستان، س ۱۰، دفتر ۱۵، تهران، ۱۳۸۸ش؛ مؤید نابی، علی، «پنجاه و پنج سال با محمود فرخ»، آینده، س ۷، ش ۴، تهران، تیر ۱۳۶۰ش؛ هوم، «دو دوست قدرشناسند»، نک: هفتادسالگی فرخ؛ نامواره دکتر محمود افشار، به‌کوشش ایرج